

پیشینه تاریخی شطرنج

(بقیه از شماره های پیش)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
هفتم

مجید حکمتانی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بخش سوم

دگرگونیهای آرایش شطرنج در هندوستان

هنگامی در هند مهره‌های شطرنج دوشتر یادوشیر اضافه داشت که اکنون منسوخ شده و زمانی شطرنج را در هند با تاس بازی میکردند چنانکه خواهیم گفت: در کتاب راحة الصدور^۱ آمده است که شطرنج سه آرایش داشته یکی حکمای هند نهاده‌اند و دیگری بوذرجمهر نهاد سوم حکمای روم نهاده‌اند که نطع و گسترش آنها فرق دارد از هند مربع و از بزرگمهر مستطیل و از آن روم مدور است.

ج	م	ق	ق	ق	ق	م	ج
ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق
پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده
رخ	فرس	فیل	شاه	فرزین	فیل	فرس	رخ

شکل شطرنج معروف به هندی بهمان وضع که راوندی داده است

۱- راحة الصدور وآية السرور تألیف ابی بکر محمد بن سلیمان بن محمد بن احمد بن الحسین بن همة الراوندی.

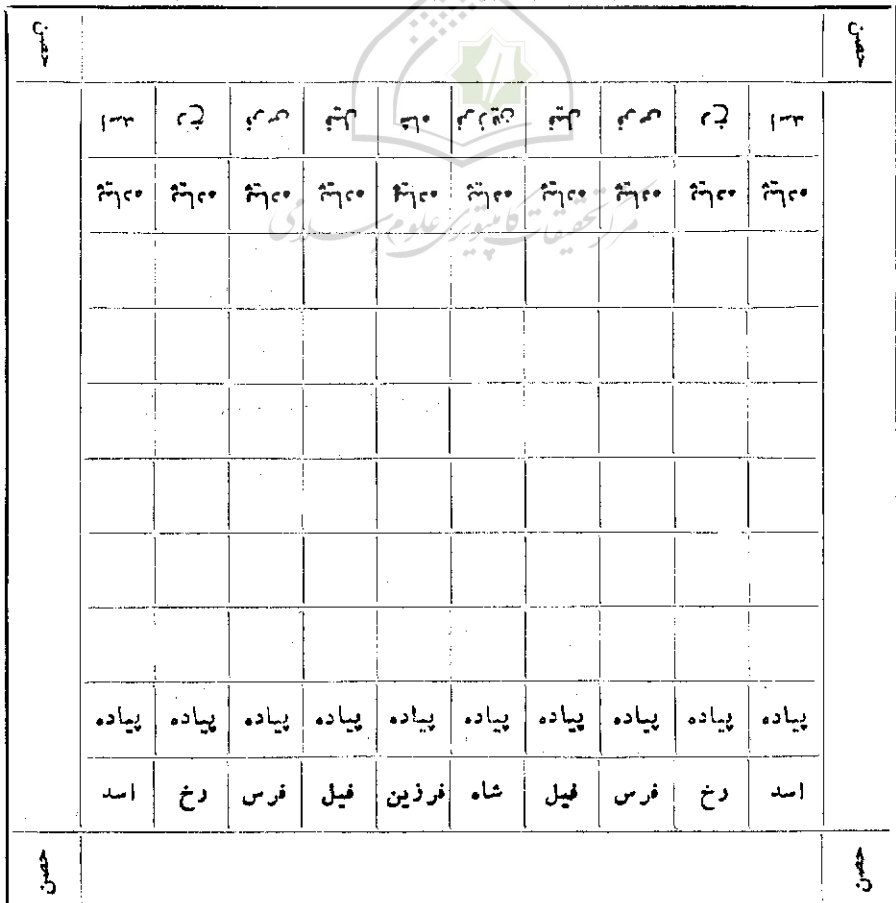
و مینویسد رقعہ مستطیل بزرگمهر مستطیلی است چهار عرض و شانزده طول در همان شصت و چهار خانه اما بقیه آن از دو طرف بشکلی دیگرست رخسار زوایاست و شاه و فرزین در میان و دو اسب پیشین شاه و فرزین و دو فیل در پیش اسبها و در پیش پیلان بدو صف پیاده بنشانند و بر قاعد قدیم سیر و حرب میکنند. مینویسد در این شطرنج پیاده خانه شانزدهمین را بپیماید فرزین شود با این شطرنج باتاس هم بازی میکرده اند.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴

و پس از آن مینویسد: این شطرنج حکمای هند نهادند و بنوشروان عادل فرستادند و بزرگمهر آن بگشاد و بر آن يك باب بیفزود و نوشروان آن را بقیصر روم فرستاد و حکمای روم خاطر بر گماشتند و ایشان نیز دو باب زیادت کردند^۲ سپس در باب دیگری زیر باب حکمای روم رقعہ دیگری از شطرنج که گسترش گرد دارد و در میان آن دایره کوچک حصن است و چهار دایره بر بالای حصن کشیده اند و دارای شصت و چهار خانه باشد را وندی کشیده است و گوید این آرایشی است که حکمای روم نهادند. (شکل در صفحه بعد)

و سپس آرایش دیگری از شطرنج میآورد که چهار حصن یا قلعه در چهار گوشه آنست (شکل در صفحه بعد)

اکنون آنچه در جهان معمول است همان شطرنج شصت و چهار خانه است یعنی هشت در هشت و این گسترش همانست که از ایران بغرب رفته است چنانکه راحة الصدور نیز در باب حکمای روم اشاره کرده همان شصت و چهار خانه آمد.



در کتاب نفایس الفنون و راحة الصدور و معلم الشطرنج و ویژگیهای شطرنجهای مختلف را چنین بیان میکنند:

۱- شطرنج رومی باویژه گیمهای زیر:

۱- در وهله اول پیاده جلو وزیر دو خانه پیش میرود و وزیر بخانه آن پیاده میرود.

۲- وزیر از خانه پیاده فقط بیک خانه بطور کج راه میرود.

۳- فیل میتواند تنها تاسه خانه برود.

۴- هر پیاده پس از رسیدن به خانه هشتم تنها بوزیر بدل میشود.

۵- مانند شطرنج فرنگی شاه برابر شاه و وزیر برابر وزیر میباشد.

۲- شطرنج هندی باویژه گیمهای زیر:

۱- پیش از کشت (کش) شاه دو و نیم خانه میرود مانند اسب

۲- پس از رسیدن بخانه هشتم پیاده به همان مهره عوض میشود که بآن خانه مربوط است بشرط آنکه مهره آن خانه کشته شده باشد. همچنین آنگونه شطرنج که باتاس بازی میکنند معروف بهندی است و نوشته اند بایک پیاده و سه اسب و چهار فیل و پنج وزیر و شش شاه بازی میکنند.

۳- شطرنج ایرانی (پارسی) باویژه گیمهای زیر:

مهره های پیاده یک خانه یک خانه حرکت میکنند و بازی گذشته از پات که هیچ به هیچ است و مات که باخته بشمار می آید لات هم دارد یعنی هنگامیکه حریف همه مهره ها خود را از دست بدهد لات و باخته حساب میشود.

۴- شطرنج فرنگی باویژه گیمهای زیر:

۱- پیاده میتواند بار نخست دو خانه پیش رود

۲- قلعه رفتن: اگر در ضمن آرایش و در میان شاه و رخ مهره ای نباشد و

شاه حرکت نکرده باشد شاه را در خانه اسب و رخ را در خانه فیل می نشانند (این قلعه کوچک است)

۳- از لحاظ ترتیب مهره‌ها شاه سفید را بطرف دست راست و وزیرش را طرف دست چپ جای میدهند ولی شاه سیاه را طرف دست چپ و وزیر آن را طرف دست راست جای دهند یعنی باید شاه روبروی شاه و وزیر روبروی وزیر باشد.

۴- اگر پیاده بخانه هشتم برسد میتوان آنرا بوزیر یا مهره دلخواه عوض کرد.

۵- اترنج

بساط آن صد خانه دارد و نامهای مهره های اضافی عبارتند از بخشی و شاهزاده.

۶- شطرنج چهارچهره (چومگهی)

۱- چهار بازیکن لازم دارد.

۲- بساط آن ۱۶۰ خانه دارد.

۳- رنگ مهره‌ها سبز، سرخ، سیاه، و سپید است.

۷- شطرنج گرد

بوسیله بساطی که چهار گوشه و دارای ۶۴ خانه باشد نیست بساط آن گرد و دارای چهل و هشت خانه میباشد و در میان نطع دایره کوچکی نهاده‌اند که هر گاه شاه در ماند در آن دایره رفته مصون ماند از تعرض در این شطرنج پیاده شاه نمیشود.

۸- شطرنج شاه دیوانه در یک سوی بساط تنها شاه است و او کار همه مهره‌ها را تنها میکند

۹- شطرنج پادین (پادگان)

هر دو سوی بساط تنها شاه و هشت پیاده گذاشته میشود.

۱۰- شطرنج شیرویز

شخصی هر دو شاه را می‌گیرد و آنها را در جای شاه و وزیر می‌نشانند

بازیکن دویم بقیه مهره‌ها یعنی سی مهره دیگر را در نصف بساط می‌گذارد
خانه شاه وزیر را خالی نگاه میدارد.

آندوشاه‌شیر و بقیه مهره‌ها بزنامیده میشوند شیرها در مرحله اول دوویم
خانه جلو میروند و در مرحله‌های بعدی تنها يك خانه بهر سو که بخواهند.

۱۱- شطرنج زنده

در ان شطرنج اشخاص در پوشاك مهره‌های شطرنج در میایند و با اصطلاح
مهره‌های شطرنج زنده در کارند بساط بزرگی ساخته میشود شاهان و اشخاص
بزرگ به این بازی علاقه داشته‌اند چنانکه اکبر شاه هندی بیشتر شطرنج
زنده بازی میکرده است.

۱۲- شطرنج غایب

شخصی در برابر بساط شطرنج برای بازی می‌نشیند و شخص دیگر از دور
بایغام بازی میکند این بازی را اکنون با چشم بسته نیز انجام میدهند.

۱۳- شطرنج تیموری

شطرنج تیموری يك قسم شطرنج است که گویند شاه رخ پسر خود را بدین
جهت نام شاه رخ نهاده که هنگام تولد فرزند تیمور شطرنج بازی میکرده
و برای او يك شاه و يك رخ بجا مانده بود. از اینرو نام پسر را شاه رخ نهاد
و این حال شطرنج را شاه رخ گویند.

۱۴- شطرنج ذوات الحصون - در چهار گوشه شطرنج ذوات الحصون
چهار قلعه باشد و شرط آنست که راه شاه چنان گرفته شود که حصن و قلعه نتواند
رفت شطرنج ذوات الحصون ده درده است و چهار مهره بنام دبابه بیشتر دارد

حصن	رخ	اسب	فیل	دبابه	وزیر	شاه	دبابه	فیل	اسب	رخ	حصن

۱۵ - شطرنج کبیر

در این شطرنج مهره‌هایی بنام زرافه و شیر و شتر افزوده شده است.

۱۶ - شطرنج هفت گوی

در این شطرنج حرکت مهره‌ها بر سیر دوازده برج نهاده شده و به دوازده خانه بخش شده که هر یک بنام ستاره و گوی است مانند زحل (کیوان) که در خانه هفت رود و مشتری (برجیس) شش مریخ (بهرام) پنج و آفتاب در خانه چهار زهره خانه سه و عطارد (تیر) خانه دویم و ماه در خانه یک باشد و این شطرنج را با تاس بازی کنند.

شطرنج اقسام دیگری دارد مانند شطرنج زورازوری و شطرنج شاه مست پادشاه که بیان همه آنها بدرازا کشد. دکتر فورس مینویسد تا سده شانزدهم میلادی شطرنج بسبک چترنگ قدیم بازی میشد (با هشت مهره چهار رنگی چهار بازیکن بازی میکردند).^۳

اکنون آنچه در جهان معمول است تحت شطرنج شصت و چهار خانه‌ای است که هشت در هشت باشد و این گسترش همانست که از ایران بغرب رفته است چنانکه صاحب راحة الصدور در باب حکمای روم اشاره کرده در همان شصت و چهار خانه آمد غالباً نوشته‌اند شطرنج در زمان جنگهای صلیبی به اروپا رفته و یکی دو جا نوشته‌اند شطرنج را هارون الرشید برای شارلمانی پادشاه فرانسه فرستاد و برخی نوشته‌اند که آنرا انوشیروان برای قیصر روم فرستاد که درستی آنها آشکار نیست و گفته‌اند فرنگی‌ها آنرا شصت و چهار خانه و بشکل کنونی در آورده‌اند اینهم درست نیست.

شاهدی هست که بیش از هزار سال پیش در ایران شطرنج دارای شصت و چهار خانه بوده^۴ گذشته از گفته راوندی در راحة الصدور که گفته شد اسدی طوسی نیز در لغت فارس زیر واژه شترنگ چنین مینویسد:

۳- معلم الشطرنج صفحه ۳۳۵

۴- راحة الصدور فی آیه السورود صفحه ۴۰۸ چاپ لندن ۱۹۲۱.

شطرنج بود نجار گوید: °

تا جز از بیست و چهارش نبود خانه نرد

همچو در سی و دو خانه است اساس شترنگ

زیرا شانزده سوار و شانزده پیاده اساس بازیگران شطرنج است که درسی و دو خانه مهره ها قرار میگیرد و سی و دو خانه دیگر عرصه بازی است.

آرایش مهره ها

وضع آرایش مهره ها روی تخت شطرنج باید چنان باشد که سفره شطرنج از سوی راست بازیکن از خانه سپید آغاز شود و آرایش مهره ها به ترتیب حرف آغازی آنها «را فوش» باید باشد یعنی به ترتیب:

رخ ، اسب ، فیل، وزیر، شاه باین شرط که شاه سپید در خانه سیاه و شاه سیاه در خانه سپید و دوشاه برابر یکدیگر و دو وزیر برابر هم قرار گیرند و هشت پیاده در خانه جلو آرایش یابند.

پیشینه تاریخی شطرنج در ایران

گذشته از آنچه درباره هند گفته شد که پیش از سده چهارم هجری یا سده دهم میلادی هند بسرزیمینی گفته میشد که در غرب ایران بوده و اگر گفته اند در زمان انوشیروان از هند آمد جز بخش جنوب غربی ایران سرزمین دیگری بنام هند نبوده و انگهی غالب داستانسرایان ایران عادت داشته اند برای آنکه اعجاب خوانندگان و شنوندگان را برانگیزند داستانهای ایرانی را نیز به هند و چین یا روم نسبت داده اند و گاهی اگر قهرمان داستانی زرتشتی نبوده او را ایرانی کامل ندانسته اند تورانی یا سریانی یا چینی یا هندی یا بیسگانه خوانده اند ...

۵- ابن نجار شاعر جز شاعری است بنام نجاد ساغر می که از شاعران آغاز سده ششم و همزمان عمیق بغدادی بوده زیرا اسدی خود از شاعران و دانشمندان سده پنجم بوده که در آغاز نیمه دوم سده پنجم در گذشته و در لفت فرس از شاعران پیش از خود یا همزمان خویش نقل سخن کرده است.

گفته شد در باره شطرنج کتاب کوچکی از دوران ساسانیان بزبان پهلوی برجامانده که درین داستان نسبت داده اند که شطرنج در زمان انوشیروان بدر بار ایران راه یافت^۶ نام شاه و فرستاده او که از هند آمده و اختراع کننده شطرنج غالباً هندی نبوده و ساختگی است و این هندوکان که در داستان ماتیکان شطرنج از آن نام برده شده همان هندی است که در اوستا هفت هند نامیده شده که در ماتیکان نیز بصیغه جمع بکار رفته ازین رو چنانکه گفتم مقصود هندی کنونی نبوده و گروهی را با اشتباه انداخته است. باینهمه احتمال آنکه شاید شطرنج از سرزمین کنونی هند آمده باشد برابر آن داشت که در سرزمین هند درباره شطرنج و پیشینه آن و نام مهره ها و اصطلاحات و داستانهای آن دیار خود تحقیق و بررسی نمایم. نتیجه این تحقیق نشان داد که اصطلاحات همه از ایران به هند و کشورهای شرق و فرنگستان رفته است و این درست بدان ماند که چون ایرانیان وسیله فرانسویان با تومبیل و رادیو و تلفن و تلویزیون آشنا شدند نامهارا هم از زبان فرانسوی گرفته اند و اگر هر ملتی اختراعی و علمی داشته باشد بی شک باید نام اصطلاحات آنرا هم داشته باشد. اینست که گاهی در تاریخ شناسی وجود يك واژه از دید زبان شناسی ما را بهتر از يك خرابه باستانی به پیشینه های تاریخی و باستانی رهبری میکند. اکنون درباره داستان

۶- این داستان از مآخذ ایرانی بخارج نیز راه یافت چنانکه در رساله غنچه نشاط - مرتبه منشی بلاغی داس مالک میورپریس دهلی نوشته است : در ایران کسی بشطرنج آشنائی نداشت اما در زمان انوشیروان که شهره حکمت و دانش آن کشور به اکناف عالم رسید پادشاهی در هند که معاصر انوشیروان بود برای آزمایش هوش مصاحبان و درباریان شاه ایران شطرنج را پیش وی فرستاد و دانایان آن کشور از درك رموز آن ناتوان ماندند انوشیروان بزرگمهر خردمند را که باچشمان میل کشیده شده در زندان بسر میبرد از قید و بند رهایی داده پیش خود خواند؛ فرستاده شاه هند نیز همراه شطرنج در دربار باریافت بساط شطرنج در برابر خردمند مزبور که رمقی از نور در دیدگانش باقی مانده بود گسترده شد و او باهوش سرشار و ذکاوت بسیار که داشت راز شطرنج را پیدا کرد و در بازی دوم بطرف شاه مات داد انوشیروان نبوغ و دانائی بزرگمهر را ستود سپس حکیم بخانه رفته و بازی جدیدی را بنام فرد اختراع کرد و آنرا بوسیله فرستاده شاه هند متقابلاً به آن کشور فرستاد.

ماتیگان^۷ شطرنج نیز نکاتی است که برای ما این عقیده پیش می آید که شطرنج پیش از زمان انوشیروان که در نیمه اول سده ششم زادروز مسیح است در ایران پیشینه داشته است. داستان دیگر است بزبان پهلوی بنام داستان ریتک^۸ و خسرو گبادان^۹ در این داستان نام گلها و خوانندگان و زنهای هنرمندان و نوازندگان و افزارهای موسیقی آمده و از جمله نامی از شطرنج و نرد نیز برده شده است.

در داستان دیگری که از اردشیر بابکان و اردوان پنجم اشکانی بنام کارنامه اردشیر بابکان برجا مانده با آنکه اردوان پنجم و اردشیر بابکان در نیمه اول سده سوم میلادی میزیسته اند در این داستان نیز نامی از شطرنج و نرد برده شده و گفته است اردشیر در چوگان و شطرنج و نرد چیره دست بوده است اینک ترجمه آن بخش از کارنامه اردشیر :

« اردوان که اردشیر را دید شاد شده و گرامی داشت و فرمود که هر روز با فرزندان و شاهزادگان خویش به نخجیر و چوگان شود. اردشیر همانگونه کرد و بسیاری یزدان چوگان و سواری و چترنگ (شطرنج) و نرد (نیوار تخشیر) و دیگر ژرنگ از ایشان همگی چیره و چابک بود...»

این داستان میسرساند که در کودکی اردشیر در زمان شاهی اردوان پنجم اشکانی، شطرنج و نرد بوده و هیچکدام از اختراعات اردشیر یا کسانی که پس از او گفته اند نبوده.

کارنامه اردشیر بابکان چندین بار به پهلوی و فارسی در هندوستان و ایران چاپ و بزبانهای دیگر نیز ترجمه شده است.

محمد تقی بهار در سر آغازی که بر مادیگان شترنگ نوشته است نیز تردید میکند که آیا شطرنج و نرد را چنانکه بعضی گفته و نوشته اند باید از اختراعات

۷- ماتیگان یا مادیگان یا مادیگان از همان ریشه است ماتنا پیاری میانه

۸- ریتک یا ریدک نام کودکی بوده است ابن خردادبه خسرو قبادان و خسرو پرویز

دانسته و این داستان را ثعالبی در غرر اخبار ملوک الفرس ترجمه کرده .

۹- خسرو کوآتان اوریتک

زمان انوشیروان دانست یا چنانکه متن پهلوی کارنامه اردشیر مینویسدارد شیر در شترنگ و نرداز همه چیره تر بود. همین داستان را هزار سال پیش فردوسی از کارنامه اردشیر گرفته و در شاهنامه آورده است معلوم میشود که این مطلب در خداینامه هم یاد شده یا شاید کارنامه اردشیر بخشی از خداینامه بوده باشد هر تفسلف آلمانی نیز که مدتی در تخت جمشید و دامغان کاوش میکرد نیز اظهار عقیده کرده است که پیش از انوشیروان دادگر شطرنج در ایران بوده است. با آنچه از پیشینه پیدایش شطرنج و آرایش آن در آثار باستانی گفته شد شطرنج از سالهای پیش در ایران بوده است و از ایران با اصطلاحات بشرق و غرب رفته اما هنوز معلوم نیست مخترع آن مانند بسیار چیزهای دیگر تاریخی چه کسی بوده است.

شکی نیست که درباره شطرنج کتابهایی در ایران باستان بوده است که با آثار بسیار دیگر از میان رفته با اینهمه از آنچه هست پیشینه تاریخی شطرنج در ایران از کشورهای دیگر شرق و غرب جلوتر است.

شطرنج در ادبیات عرب

در زمان خلفای عباسی که در شعر عرب مضامین نرواه یافت اصطلاحات شطرنج و نرد برای شاعران عرب زبان موضوع جالبی بود و در این زمینه شعرهای بسیار سروده شد که در زیر به نمونه‌های کوچکی اشاره میکنیم:

عبدالله مأمون خلیفه عباسی درباره شطرنج گفته است :

ارض مربعة حمراء من آدم	ما بین الفین موصوفین بالکرم ^{۱۰}
تذاکر الحرب فاحتالها شهبها	من غیران یسعیا فیها بسفک دم ^{۱۱}
هذا یغیر علی هذا و ذاک علی	هذا یغیر، و عین الحرب لم تنم ^{۱۲}
فانظر الی الخیل قد جائت بمعركة	فی عسکرین بلا طبل و لاعلم ^{۱۳}

۱۰- میدان چهار گوش سرخی از چرم در میان دو یار جوانمرد

۱۱- آنان جنگ را بیاد آورده اند و برایش بی آنکه خونی ریخته شود نظیری پیدا کرده اند.

۱۲- این بر او می تازد و آن بر این و چشم جنگجو در خواب نیست.

۱۳- بنگر چگونه سواران بی طبل و علم به آورد گاه در آمده اند.

دیگری درباره اصطلاح (شاه مات) گفته است.

لعبت بالرخ حتی وقعت فی الشاه مات ۱۴

شطرنج بازی است یا هنر یا دانش ؟

شطرنج يك بازی دلکش و نغز است که آنرا در شمار دانش و هنرنیز میتوان آورد .

فردوسی در شاهنامه که بمنزله فرهنگنامه‌ای برای زبان فارسی است شطرنج را دانش و بازی، نغزی دانسته :

کسی کو بدانش برد رنج بیش بفرمای تا تخت شطرنج پیش
نهند و ز هر گونه رأی آورند که این نغز بازی بجای آورند

امروز به شطرنج تنها بصورت يك سرگرمی برای وقت گذرانی یا بازی و قمار نمی‌نگرند بلکه آنرا هنر و دانشی میدانند که در جهان شیفتگان بسیار دارد و روز بروز بدلباختگان آن درسراسر جهان می‌افزاید .

نه تنها در خانه‌ها و باشگاه‌ها باین نغز بازی و ورزش فکری می‌پردازند بلکه در دبیرستانها، دانشکده‌ها، آموزشگاهها به آموزش و ورزش در آن پرداخته میشود و گاهی در شمار درسها آمده کتابهای بسیار برای آموزش و ورزش آن مانند خودآموز و طرح مسئله‌های دشوار شطرنج چون مسئله‌های ریاضی پرداخته‌اند .

شطرنج يك بازی شاهانه

در گذشته شطرنج يك بازی شاهانه بوده است که غالباً شاهان باوزیران و شاهزادگان بازی کرده‌اند گاهی شاهان با مهره‌های زنده و ایرانیان مانند سوارکاری و تیراندازی و چوگان که از خصایص ایرانیان بوده شطرنج را می‌نگریسته‌اند در کارنامه‌ها و نامه‌ها نوشته‌اند که اردوان پنجم اشکانی، اردشیر بابکان، بهرام گور، انوشیروان دادگر، خسرو پرویز بزرگمهر بدان

۱۴- بارخ چندان بازی کردی که در شاه مات گیر افتادی .

دلبستگی داشته‌اند. و در دوران اسلامی هارون الرشید خلیفه عباسی، تیمور، آقامحمدخان قاجار و از پادشاهان فرنگ ناپلئون، و مارشال تیتو^{۱۵} رئیس جمهوری یوگسلاوی دلبستگی بسیار بدان بازی داشته‌اند.

در ایران پس از تشرف بدین اسلام شطرنج از اعتبار و رونق خود افتاد و سالها بدان رغبتی نمیشد برخی احکام و احادیث در دوفرقه شیعه و سنی در حرمت آن نقل کردند و آنرا لعب دانستند و کتابها در حرمت آن نوشتند^{۱۶} صاحب کتاب شاهد صادق مینویسد:

«شافعی شطرنج باختن را مباح دانسته»

و همو گوید:

«این سیرین را گفتند شطرنج باختن چگونه است؟

گفت ذهن را صافی کند و فکر را قوی گرداند و عقل را بیفزاید.»

و نوشته‌اند:

«اول خلیفه که شطرنج باخت و شطرنجیان را هر سوم مقرر نمود هارون الرشید بود^{۱۷} و آشکارست که شطرنج وسیله بر مکیان و عناصر ایرانی در دستگاه خلافت عباسی راه یافته است.»

گسترش شطرنج در جهان

ن. بلان^{۱۸} در کتابی که پیش از این گفته شد مینویسد:

بازی شطرنج نخست در ایران پیدا شد و راهی به هندوستان یافت و سپس از هند بزادگاه خود ایران آوردند^{۱۹} شکی نیست که نویسنده دقت و کاوش

۱۵- مارشال تیتو خود بمووان یک تهران در گروه ملی بازیکنان بارها شرکت کرده و از کشور خود باتیم ملی بمصر و دیگر کشورها برای انجام مسابقه‌های جهانی رفته است
۱۶- کتاب حرمة الشطرنج نوشته ملك المورخین هدایت‌اله پسر نویسنده ناسخ التواریخ از دستنویس‌های کتابخانه مجلس شورای ملی دیده شود.

۱۷- شاهد صادق

۱۸- N.B Bland در کتاب Persian Chess, London 1913

۱۹- نقل از فرهنگنامه بریتانیکا چاپ نوین صفحه ۶۶۰

بسیار نموده ولی نمیدانسته که هند پیش از سده چهارم هجری سرزمین کنونی نبوده و جزاین سرزمین جای دیگری بنام هند نامیده میشده که در جنوب غربی سرزمین ایران بوده است چنانکه گفته شد از زمان اردوان پنجم اشکانی سند کتبی هست که این شطرنج در ایران بوده است و این قدیمترین روایتی است درباره وجود شطرنج.

شطرنج را تازیان در زمان عباسیان از ایرانیان آموختند و شاید از همین زمان به روم شرقی (بیزانس) و اروپا راه یافته باشد.

گفته اند هارون الرشید شطرنج را با هدایای دیگر برای شارلمانی پادشاه فرانسه فرستاده ولی درستی آن معلوم نیست. برخی دیگر نوشته اند که در آغاز جنگهای صلیبی فرنگیها شطرنج را از مسلمانان آموختند و برخی دیگر گفته اند که نخستین مردم اروپا که با بازی شطرنج آشنا شدند و آنرا در اروپا متداول ساختند. اسپانیائیه و پرتغالیها بودند که در ترویج آن کتابهایی نوشتند این عقیده نیز از شناسائی اصطلاحات شطرنج در اسپانیا درست نیست و آنرا زبان شناسی نمی پذیرد. برخی دیگر گفته اند که از راه مغرب و آندلس شطرنج به اروپا راه یافت.

در کتاب سرزمین هند ۲۰ آمده است « بعد از آنکه سلطنت ساسانیان زوال یافت و دولت اسلام برقرار گردید این بازی نیز در سرتاسر ممالک اسلامی منتشر شد و برای آن اسامی و اصطلاحات فارسی و عربی وضع کردند ... ظاهراً در طول قرون وسطی تغییرات بسیار در ممالک شرق نزدیک بآن بازی وارد شد تا آنکه در ایام جنگهای صلیبی از ممالک اسلام بارو یا سرایت کرده است در آنجا نیز تغییراتی یافته ... و بالاخره این بازی فکری در سراسر جهان منتشر گشته است. »

این عقیده نیز در شمار داستانهایی است که گفته شد زیرا این تغییرات که نویسندگان نوشته است بیشتر در نام مهره های شطرنج رخ داده و چنین عقیده ای را پژوهشهای ما تأیید نمیکند که شطرنج از سرزمین کنونی هند

۲۰- کتاب سرزمین هند نوشته آقای علی اصغر حکمت پادوقی صفحه ۳۲ چاپ اول تهران

بایران آمده باشد و در آغاز اسلام آنرا عرب گرفته و به هنگام جنگهای صلیبی اروپائیان اقتباس کرده باشند. قراین تاریخی نیز هست که پیش ازین در ایران و در اروپا شطرنج بوده و اصطلاحات را هم نه آنکه ایران از هند گرفته باشد بلکه بعکس بوده اروپائیان هم غالباً نام و اصطلاحات شطرنج را از ایرانیان گرفته اند نه از مسلمانان عرب تنها برخی از کشورها مانند اسپانیا از مسلمانان فرا گرفته اند.

بهنگامیکه در ایران و کشورهای اسلامی بشطرنج رغبتی نمیشد اروپائیان با این بازی آشنا شدند و از آن استقبال شایان کردند.

در کتابخانه واتیکان سندی هست که نشان میدهد شطرنج پیش از جنگهای صلیبی در اروپا رفته این سند نامه ایست از کاردینال پترودامیان^{۲۱} که در سال ۱۰۶۱ زاد روز مسیح به الکساندر دوم نوشته و در آن از یکی از اسقف های اوستیا^{۲۲} انتقاد کرده است که او با دین و دانش مخالف است و اوقات خود را صرف بازی شطرنج میکند و وقتی را که باید در خدمت خداوند و خلق بگذراند تباه می سازد.

نخستین کسیکه شطرنج را بزبان لاتین برگرداند یعقوب دوسوسولی^{۲۳} بوده. این بازی در آغاز سده نهم میلاد مسیح بفرانسه راه یافت و در همان زمان از سوی کنشت یهود درباره حرمت آن دستورهای صادر شد.

يك اسقف فرانسوی در زمان فلیپ اوگوست^{۲۴} درباره حرمت شطرنج نیز فرمانی صادر کرد و هر کس به شطرنج می پرداخت تکفیر شد و محکوم به پرداخت جریمه نقدی میشد.

شطرنج بوسیله سلجوقیان که کشوری پهناور داشتند باروپا رفت. و وسیله مسلمانان به اسپانیا راه یافت و وسیله ترکان عثمانی در اروپای مرکزی

21- Peter Damian.

22- Os ti۱. درایتالیا

23- Jacobus de Cessoli.

24- Philippe II ou Philppe Auguste ۱۱۶۵ متولد

راه پیدا کرده و در اسپانیا و فرانسه نخستین بار استادان بزرگ شطرنج پیدا شد و روشهای گوناگون از خودابتکار کردند.

در سال ۱۵۶۱ نخستین کتاب را در اروپا یک اسپانیایی بنام ۲۵ درباره روش و قواعد شطرنج نگاشت پس از آن کتابهای بسیار نوشته شد و در سال ۱۸۵۰ کتاب مهمی بلان نوشت ۲۶ و سال ۱۸۷۴ کتاب مهم دیگری یک آلمانی ۲۷ درباره تاریخ شطرنج و قواعد آن نگاشت

سپس کتابهای بسیار از جمله در سال ۱۹۱۳ کتابی ۲۸ و در سال ۱۹۳۷ ۲۹ و در سال ۱۹۴۹ ۳۰ و پس از آن کتابهای بسیار در کشورهای فرانسه و انگلیس، آلمان، ایتالیا و اسپانیا و غیره نوشته شد.

در انگلستان شطرنج از سده نوزدهم به بعد راه یافت و از سده نوزدهم شطرنج در کشورهای دیگر اروپا رونق و توسعه فراوان یافت و طرح مسابقات جهانی میان کشورهای داده شد.

کتابهای دیگر درباره شطرنج

کتابی درباره شطرنج در موزه بریتانیا بشماره ۷۵۱۵ موجود است که به حسن بصری نسبت داده شده همان کتاب بسال ۱۲۵۷ هجری بفارسی ترجمه شده است و کتاب دیگری بفارسی در موضوع شطرنج زیر شماره ۱۶۸۵۶ در همین موزه نگهداری میشود این ندیم در الفهرست نام برخی از شطرنج بازانی را که به تألیف اثری درباره شطرنج پرداخته اند در باب ویژه ای بنام شطرنجیانی که

25 - Roy Lopez de Seguri.

26- N.Bland, Persian Chess London 1850

27- Van Der Linde, Ges chichte und Litteratur de - Schahspiel 1874

28- A Histouy of Chess By : H.J.R.Murray Axford 1918

29- The Most Comprehensive introduction To Chess - or C.H.O.D. Alexander 1937

30- A Short History of chess By : H.A Davidson 1949

دربازی شطرنج کتاب تألیف کرده می‌آورد: بشرح زیر:
عدلی ... و این کتابها ازوست کتاب الشطرنج و این کتاب اولین تألیف در
 شطرنج است. کتاب النرد و اسبابها و اللعب بها.
رازی ... و مانند عدلی بود و هر دو درپیش متوکل بازی میکردند و رازی
 را کتاب نازکی در شطرنج است.
صوالی ابوبکر محمد بن یحیی که درپیش گفته شد و دارای کتاب الشطرنج
 نسخه دوم است.

لجلاج^{۳۱} محمد بن عبیدالله من اورا دیده‌ام بشیر از نزد عضدالدوله رفت
 همانجا در سال سیصد و شصت و اندی وفات یافت و بسیار ماهر بود و از کتابهای
 اوست کتاب منصوبات الشطرنج.

ابن اقلیدس ابوالحسن بن محمد بن صالح که درکار شطرنج بسیار زیرک و
 ماهر بود، کتاب مجموع فی منصوبات الشطرنج ازوست.^{۳۲}
 این کتابها و بسیاری از کتابهای دیگر که ابن ندیم نام میبرد در هزار سال
 اخیر از میان رفته و دسترس بآنها نیست.

ابوالعباس طیب بغدادی نیز در سال ۸۹۹ میلادی کتابی مختصر درباره
 شطرنج نوشته است.^{۳۳}

کرقری اگوشما کتابی بسنسکریت شامل بیاناتی پیرامون شطرنج و
 و چوسرو گنجفه و بازیهای دیگر نگاشته است.^{۳۴}

شطرنجیه

در کتابخانه آستانه قدس مشهد کتابی دیدم بنام شطرنجیه^{۳۵} از شیخ علاء
 الدوله سمنانی که نویسنده کتاب از زبان مهره‌های شطرنج درس پند و سلوک
 داده است.

۳۱ - برخی اختراع شطرنج را بلجلاج نسبت داده‌اند گویا این لجلاج دیگری باشد که در بازی
 شطرنج مهارت داشته و زبانزد بوده است.

۳۲ - الفهرست ترجمه رضا تجدد چاپ تهران صفحه ۲۵۶.

۳۳ - معلم الشطرنج صفحه ۳۳۵.

۳۴ - معلم الشطرنج صفحه ۳۴۰.

۳۵ - بشماره ۲۰۶ زیر نام کتابهای اخلاقی و خطی ثبت شده است.

گفتار جاحظ درباره شطرنج شاهان

جاحظ در کتاب التاج که بیشتر مواد آنرا از کتابهای تاج نامه و آیین نامه برداشته است در بخش ندیمان شاهنشاه گوید :

«ندیمان و پیرامونیان درویش گیهایی ناگزیر با پادشاه برابراند. و این برابری نه کمی در شهر یاری است و نه کاهشی در فرمانروایی. از آن ویش گیها چو کان بازی است و شکار کردن و مسابقه در تیراندازی. بازی شطرنج و مانند اینها. «شاه نباید حریف خود را در این چیزها که بر شمردیم از چیره شدن باز دارد: همبازی شاه در این کارها که شمردیم حق دارد با او در آویزد و با او گفتگو کند و از برابری تمام برخوردار باشد»

«تنها نباید این کارها همراه سخنان زننده و زشتگویی باشد که ضد شکوه شهر یاری است و نیز نباید بر شاه بانگ زند یاباد در گلو اندازد و روی هم رفته نباید کاری کند که از میانه روی بدور باشد.»

«گفته اند شاپور روزی بایکی از همسالان خود شطرنج بازی میکرد دلخواه یار همسالش او را در بازی برد. شاپور از او پرسید چه فرمان میدهی، گفت از تو گولی بگیرم تا دم دروازه بارعام، شاپور گفت، ترا پرروئی بجای بدی بر آورده است. چیز دیگری بخواه. گفت بر زبانم گذشته شاپور از قمار دلخواه اند و هناك شد و فرمان داد رو بندی آوردند و بر روی خود کشید و باو گفت به پشتم سوار شو. اما او از سوار شدن بر پشت شاهنشاه بحکم رعایت شکوه شهر یاری باز ایستاد. پس از آن شاپور فرمان داد جار کشیدند دیگر هیچکس قمار دلخواه بازی نکند. هر کس کرد خونس هدر است.»^{۳۶}

۳۶- صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹ (چاپ قاهره، ۱۹۵۵ میلادی ابوعمان عمرو پور بحر بصری (۱۲۹-۲۵۵ هـ-ق))

این گفته جاحظ، که از روی کتابهای کهن استفاده شده نیز میرساند که شطرنج در زمان شاپور ساسانی یعنی روزگاری پیش از انوشیروان نیز رایج بوده است.